



انقلاب اسلامی، آموزش و فرهنگ

یکی از نویسندگان معاصر ایران جمله زیبایی دارد. وی می گوید: «دو با فرهنگ، یکی در چین و دیگری در تگزاس، زبان یکدیگر را بهتر درک می کنند تا دو برادر که از فرهنگ بی بهره اند.» این سخن بیانی است از بیت مشهور مولوی بزرگ که:

ای بسا هندو و ترک هم زبان
ای بسا دو ترک چون بیگانگان
پس زبان هم دلی خود دیگر است
همدلی از هم زبانی بهتر است

در سال های اخیر که سخن از تحول در آموزش و پرورش به میان آمده و کارهایی هم در این زمینه صورت گرفته است، و از چشم گیرترین آن ها تبدیل دوره های سه گانه فعلی مدارس به دو دوره ابتدایی (۶ ساله) و متوسطه (۳+۳ ساله) است، از فرهنگ و توسعه فرهنگی کمتر سخن گفته شده است و این رکن رکن ساختن هر ملت، مغفول مانده است.

به نظر می رسد کارشناسان و مدیران این حوزه بیشتر درگیر بحث و بررسی اهداف، اصول، منابع فلسفی و دینی، طراحی دوره های تحصیلی و تدارک اجرای برنامه ها بوده اند و لذا مجال نیافته اند به فرهنگ که به تعبیری، روح پنهان یا جان مایه آموزش و پرورش است، بپردازند. شاید این انتظار زیادی تلقی شود، چون فرهنگ از عوامل و پارامترهای بسیار متنوع و در هم تنیده ای تشکیل می شود که به سهولت دیگر بخش های آموزش، نمی توان به آن ورود کرد؛ پارامترهایی مثل علم،

اقتصاد، آموزش، بهداشت، توسعه فناوری، زبان آموزی، عام از زبان مادری و زبان بیگانه- شهرنشینی، شغل، مهاجرت، مصرف گرایی، رشد تولید، انبوه شدن ثروت، رسانه های جدید، مطبوعات، سنت پذیری، سنت گرایی، تجددطلبی، تجددستیزی، هنر، عدالت، فقر و غنا، اخلاق، روابط خانوادگی، قومیت و بسیاری عوامل دیگر، هر یک جزئی از به اصطلاح «موزاییک» فرهنگ جامعه اند که اگر نخست در تعامل و سپس در تلاطم یا هماهنگی با هم قرار نگیرند، ناهنجاری فرهنگی را سبب می شوند که خود منشأ ناهنجاری های دیگر خواهد بود، که ما جلوه هایی از آن را با شدت یا ضعف، همواره در گوشه ای از جامعه خود مشاهده می کنیم. آموزش و پرورش اگر از فرهنگ بی بهره و بی مایه بماند، فقیر می شود و چه بسا به ضد خود تبدیل شود. در حال حاضر، نیاز به طرح مباحث فرهنگی و بویژه ارتباط اجزای گفته شده با یکدیگر- که مقوم فرهنگ کلان هستند- بیش از پیش احساس می شود. اما در جامعه دینی در این عصر، به فرهنگ چگونه باید نگاه کرد؟ اکنون سال هاست - بویژه بعد از انقلاب اسلامی- که هرگاه

سخن از تعلیم و تربیت پیش می آید، بیت الغزل همه سخنان ما این است که «تزکیه یا تهذیب، مقدم بر تعلیم است»، که البته در اصل حرفی صحیح و مبتنی بر آموزه های قرآن کریم است و در آن تردیدی نیست. اما جان کلام این است که ما همواره و یا در اغلب موارد، «تهذیب» یا «تزکیه» را به اخلاق و آن هم «اخلاق فردی» منحصر و محدود می کنیم و به وجه اجتماعی آن نمی پردازیم و مشکل از همین جا آغاز می شود. اما یک فرهنگ شناس مسلمان که دانای به معارف قرآن کریم، سنت الهی و سیره نبوی و ائمه اطهار علیهم السلام است و از سویی به جامعه و جهان نیز نگاهی معاصر دارد، به قضیه این طور نگاه نمی کند. او مسئله تهذیب و تزکیه را بسیار فراتر از سلوک فردی و ادب شخصی می داند. در زمانه ای که سازمان ها و نهادهای عظیم جهانی بر جوامع بسیار سریع تأثیر می گذارند و مثلاً با عرضه تنهیک اختراع جدید، برای مدت ها خود را به مشغله فکری جمعیت کثیری از انسان ها در سراسر جهان تبدیل می کنند، بحث از تحول در آموزش و پرورش نمی تواند بی توجه به امر فرهنگ صورت گیرد. کافی است مسئله فرار یا مهاجرت مغرمانه تنها در ایران، بلکه در همه کشورها- از نگاه فرهنگی مطالعه شود تا معلوم شود علت این پدیده، بیش از آن که جغرافیا، اقتصاد، فقر و مسائلی از این قبیل باشد، مسئله فرهنگ است.

انقلاب اسلامی ایران که در این ماه سی و سه سال از تولد آن می گذرد، بیش و پیش از هر چیز، حاصل نوعی تحول فرهنگی بود. می دانیم که انقلاب اسلامی با شعارهای سه گانه «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» پا گرفت و به پیروزی رسید و در نهایت در قالب قانون اساسی جمهوری اسلامی تبلور یافت که خود راهگشای حل بسیاری از مشکلات و معضلات ما در سه دهه اخیر بوده است. اما از این که بگذریم، نفس انقلاب به گونه ای، به ایجاد تحول، آزادی، آزادی و بیداری تاریخی و هویتی در آحاد مردم ایران انجامید که اگر در جامعه هنوز بالندگی و نشاطی وجود دارد، ناشی از همان تحول است. روشن است که آن نشاط و بالندگی اگر در مسیر رشد، آزادی، دیانت، خلاقیت و در یک کلمه در مسیر فرهنگ- که طبعاً فرهنگ اسلامی خواهد بود- جریان نیابد، به مرور زمان دچار رکود خواهد شد.

حاصل کلام این که، مدارس ما فراتر از این که فعلاً محلی برای آموزش اند، نیازمند «فرهنگ» نیز هستند؛ همان فرهنگی که «جان» و «روح پنهان» آموزش است و آموزش بدون آن هم چون جسدی بدون روح است. در این زمینه سخن بسیار است و این قصبه سردراز دارد. از معلمان و کارشناسان فرهیخته ای که به این مقولات می اندیشند، انتظار داریم با ما هم نوا شوند.

سردبیر